

معماری مدارس ابتدایی با رویکرد آموزش مهارت های زندگی ؛ الزامات و بایست ها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

کد مقاله: ۴۸۸۸۱۷

حامد بی‌تی^۱، حسین محمودی^{۲*}

چکیده

مهارت های زندگی زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را در فرد به وجود می آورند و او را قادر می سازند، مسئولیت های نقش اجتماعی خود را بپذیرد و به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت شناخته می شود. به همین دلیل این مسئله مهم در سال های اخیر به یکی از اجزای ضروری در آموزش کلاس درس، زندگی و اجتماع تبدیل شده است و بهترین زمان برای فراگیری این آموزش ها در سنین کودکی بخصوص در مقطع ابتدایی می باشد. در این زمینه از جمله نهاد های اصلی پرورش افراد و تجهیز به مهارت ها و نگرش های گوناگون برای ایجاد جامعه ای سالم، نهاد آموزش و پرورش است. هدف از این تحقیق ایجاد فضاهای آموزشی ایده آل از منظر معماری مدارس می باشد بطوری که بستری مناسب برای آموزش مهارت های زندگی فراهم سازد. روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد و مبتنی بر مطالعات اسنادی و مرور متون، منابع، تجارب و تحلیل آنها است. در نهایت این نتیجه حاصل می شود که برای تاثیر گذاری معماری مدارس به آموزش مهارت های زندگی، چون مهارت های ارتباطی، تفکر نقادانه، تفکر خلاقانه و مقابله با استرس، به مولفه هایی چون ایجاد فضای باز، بازی و سرگرمی، جمعی، ارتباط موثر با فضای طبیعی سبز، مقیاس، رنگ و نور، چشم انداز، انعطاف پذیری، خالص و خوانا بودن فضا، در طراحی معماری مدارس برای تسهیل آموزش مهارت های زندگی ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: مهارت های زندگی، آموزش، معماری مدارس، مقطع ابتدایی

۱- دانشیار و هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

مهارت های زندگی این امکان را بوجود می آورد تا هر فردی رفتار های مطلوب و مفید را در خود فراهم سازد و این امکان را برای فرد ایجاد می کند تا او بتواند در اجتماع مسئولیت پذیر باشد (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۳) و به عنوان یکی از مهمترین مولفه های موفقیت بیان می شود و بر همین اساس در سال های اخیر این موضوع در عرصه های مختلف آموزشی از جمله مدرسه، خانه و جامعه بصورت جدی مطرح می شود. مهارت های زندگی این امکان را میسر می سازد که انسان مسئولیت هر آنچه را در زندگی و اجتماع خود تصمیم گرفته برعهده بگیرد و زمانی که شخص مسئول انتخاب های خود باشد سعی می کند به انتخاب هایی دست یابد که مورد مقبولیت خود و جامعه باشد و در این صورت تصمیمات فرد بدون مشکل و ایراد یک روند مطلوبی را طی می کند (طارمیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۸). این مهارت ها باعث می شود فرد دانش، ارزش و نگرش ها را به بهترین نحو عملی سازد و همچنین این زمینه را فراهم می سازد تا رفتار و منش سالمی داشته و تهدیدات مختلف زندگی را به فرصت های مطلوب تری تبدیل کند (روح الهی و پایندگان، ۱۳۹۰: ۱۸۶). علیرغم اهمیت این موضوع، آموزش این مهارت ها مورد غفلت قرار گرفته و کودکان به دلیل عدم تجربه و دانش کافی در زمینه مهارت های زندگی یکی از قشرهایی در جامعه هستند که علیرغم انرژی بالا و استعداد های سرشار، آنطور که بایست از توانمندی های خود برای مقابله با مشکلات پیشرو در زندگی حال و آینده بهره مند شوند، نشده اند و حتی از این پتانسیل خود جهت استفاده در بحران های زندگی آگاهی کافی ندارند (باقری، ۱۳۹۰). در این زمینه آموزش و پرورش بعنوان یکی از سازمان های اصلی تعلیم و تربیت افراد جامعه و توانمندسازی آنها به مهارت ها و افکار گوناگون در جهت دستیابی به یک جامعه مطلوب و سالم نقش اساسی و مهمی را دارا می باشد. در این راستا یکی از مهمترین مقاطع تحصیلی که پایه و اساس همه آموزش ها بشمار می رود و باید بصورت ویژه به این مقطع بهاء داده شود، مقطع ابتدایی می باشد. در واقع بنیه فکری و عقیدتی فرد در این دوره و ایام کودکی شکل می گیرد که پایه و اساس پیروزی ها و شکست های او در زندگی آینده و پیش روی او است (صافی، ۱۳۹۳: ۸۶).

فضاهای آموزشی به عنوان یک رکن از امر آموزش در تمامی مقاطع ایفای نقش نموده و به مسیر تعلیم و تربیت افراد جهت می بخشد و محیطی محرک برای آزاد کردن اندیشه و بیان خلاقانه، و به اندازه روش تدریس، دارای اهمیت می باشد (شاطریان، ۱۳۸۷: ۱۲۳). برای همین آموزش و پرورش باید در فضایی انجام پذیرد که علاوه بر دارا بودن استاندارد های مختلف فیزیکی بر اساس خواسته ها و سلیق دانش آموزان بنا شده باشد تا تعلیم و تعلم در بستری متعالی و توأم با رضایت و شادی کاربران صورت گیرد (طابعیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳). حال با توجه به اینکه بستر آموزش مهارت های زندگی در کالبد فضای آموزشی هم نمود پیدا کند، به مدرسی نیاز داریم که این امکان را فراهم آورد که دانش آموزان علاوه بر آموزش دروس تعریف شده، به آموزش و کسب مهارت های زندگی دست یابند. از طرفی امروزه کالبد مدارس کنونی از یک مدول ثابت و نقشه های تیپ (ردیف مستقیم و یکنواخت کلاس ها با راهرو طولانی در پلان) و تکرار مدل های موجود پیروی می کند و از نقش خطیر محیط کالبدی در امر آموزش و بالخصوص آموزش مهارت های زندگی غفلت کرده است، از این رو، پژوهش حاضر از تبیین الزامات و بایست های معماری مدارس در جهت آموزش مهارت های زندگی در مقطع آموزش ابتدایی می پرسد؟

۲- پیشینه تحقیق

بر اساس موضوع تحقیق، ابتدا به مطالعه تحقیقات انجام گرفته در حوزه علوم رفتاری و سپس در حوزه محیط های آموزشی و معماری مدارس پرداخته که در زیر به قسمتی از مطالعات انجام شده می پردازد. خسروی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «اثر آموزش مهارت های زندگی بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان» بیان می دارند، آموزش مهارتهای زندگی (خودآگاهی و برقراری ارتباط مؤثر) بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان مؤثر بوده است. اهمیت دادن و جدی گرفتن آموزش مهارت های زندگی به خصوص در مدارس از دوران کودکی می تواند نتیجه مثبت شایان توجهی داشته باشد و افرادی با شایستگی اجتماعی بالا تربیت شوند. بندک و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر خلاقیت دانش آموزان» اشاره می کنند که ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت، مستلزم وجود جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. دانش آموزان نیاز به عزت نفس دارند که باید پاسخ داده شود تا دیگر توانایی های گسترده آنها مثل آفریدن، پیشرفت و یا درک و شناسایی استعدادهای بالقوه محقق یابد. حجت پناه و گلچین نیا (۱۳۹۱) در مقاله «تبیین ضرورت آموزش مهارت های زندگی در مدارس» بیان می کنند، ضرورت یاری افراد جهت رشد بهتر مهارت های زندگی و معیشت خود، رفته رفته از اهداف مهم آموزش و پرورش تلقی می شود. هم سو کردن فعالیت های خانه، مدرسه، اجتماع در جهت آموزش مهارت های زندگی. ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت و فعالیت دانش آموزان در کلیه ی فعالیت های مدرسه و تشکل های علمی، فرهنگی و قانون مند کردن آن، برگزاری نمایشگاه از کارهای عملی دانش آموزان. برخی از نتایج مهم این مقاله می باشد. اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تبیین مدل مفهومی تأثیر معماری انعطاف پذیر بر رفتار اجتماعی دانش آموزان در حیاط و راهرو در مدارس ابتدائی» اشاره می کنند نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ابعاد

رفتار اجتماعی که از نظر آلتمن به چهار دسته ازدحام، خلوت، قلمرو و فضای شخصی تقسیم می شود؛ در میان دانش آموزان از ابعاد کالبدی محیط از جمله معماری انعطاف پذیر که شامل مؤلفه های تنوع پذیری، تغییرپذیری و تطبیق پذیری است تأثیر می پذیرد. میان رفتار اجتماعی دانش آموزان قبل و بعد از ایجاد تغییرات در حیات و راهرو تفاوت معناداری وجود دارد و تأثیر محدوده رفتاری آنها را تغییر می دهد. حق پرست و سروش (۱۳۹۷) در مقاله «آموزش مفاهیم مرتبط با معماری پایدار در نظام آموزش ابتدایی با نمایان شدن در معماری مدارس» بیان می کنند، آموزش مسائل مربوط به پایداری و توسعه ی پایدار با اجرای صحیح معماری پایدار در محیط یادگیری کودکان (مدرسه) می تواند به عنوان الگویی برای استفاده کنندگان، سرلوحه معماری پایدار قرار گیرد و چند اصل طراحی معماری در ساخت مدرسه مانند محیط و کالبد تغییر پذیر، ایجاد کارگاه های جنبی در فضای باز به منظور تعامل بیشتر با طبیعت، استفاده ی حداکثر از نور طبیعی و ... را بیان می دارند. سیاوش پور و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «نقش فضای سبز محیط های آموزشی کودکان در تقویت حس تعلق به مکان» بیان می کنند، ارتباط حسی با فضای سبز با ایجاد درگیری مستقیم (با تمام حواس ادراکی) و تجربه مدار با محیط، باعث تسلط شناختی بر مکان می شود که خود از عوامل ایجاد حس خودی بودن و تعلق به مکان است. مشارکت در خلق فضای سبز حس تملک فضایی و عزت نفس را در کودکان بر می انگیزد که پیوند با مکان را تسهیل می کند. ارتباط آموزش محور با فضای سبز نیز از دیگر مواردی است که در آن فضای بیرون و طبیعت به عنوان محلی آموزشی و یا حتی منبع آموزش و یادگیری مطرح است

در مقالاتی که در حوضه علوم تربیتی و رفتاری مطالعه گردید، بیشتر به ضرورت، اهمیت و تأثیر مهارت های زندگی بخصوص در سنین پایین، در مدارس پرداخته اند. دسته دوم مقالات که در حوزه معماری مدارس مورد مطالعه قرار گرفت به تأثیر کالبد مدارس مانند فضای سبز، حیات و مباحثی از قبیل انعطاف پذیری و معماری پایدار و تطبیق مدارس سنتی و معاصر و حتی به ارزیابی و سنجش معماری مدارس اشاره می کنند و با مطالعه این موضوعات و رویکردها و با توجه به مقالات علوم رفتاری ما این مسئله مهم را پی می گیریم که در عصر حاضر یکی از بهترین و موثرترین عواملی که باعث ایجاد یک فرد توانمند، جهت مقابله با مسائل مختلف زندگی، که منجر به بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی وی می باشد، آموزش مهارت های زندگی است و برای نیل به این هدف، مدرسه بهترین مکان می باشد. که براین اساس، تحقیق حاضر بر این است که به مؤلفه های معماری مدارس جهت پاسخگویی به این امر مهم بپردازد.

۳- چارچوب تحقیق

هدف: دستیابی به مؤلفه ها و الزامات معماری مدارس ابتدایی در جهت آموزش مهارت های زندگی می باشد.
ضرورت: محیط های یادگیری امروز، باید محرک های لازم را داشته باشد تا امکان فعالیت های غیر ساکن فراهم شود زیرا اساسی ترین نیازهای نظام های آموزشی نوین، تحرک فیزیکی و ذهنی و رشد روحیه اجتماعی است و بر این اساس ایجاد فضای آموزشی با فراهم نمودن بستری برای آموزش و کسب مهارت های زندگی برای دانش آموزان از ضروریاتی هست که باید در مختصات کالبد مدارس گنجانده شود و این تحقیق در پی آن است.

سوال اصلی: چگونه کالبد مدرسه به عنوان یک عامل تأثیر گذار بر آموزش مهارت های زندگی می تواند ایفای نقش کند؟
سوالات فرعی: ۱- کاربرست مؤلفه های مهارت افزایی در معماری مدارس ابتدایی چگونه است؟ ۲- مؤلفه های مهارت های زندگی چیست؟ ۳- الگوهای فضایی و ویژگی های کالبدی مدارس ابتدایی چیست؟

روش تحقیق: این تحقیق از جنبه هدف، دارای ماهیت کاربردی است و از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد و با استفاده از روش گردآوری اطلاعات از نوع میدانی و کتابخانه ای به انجام می رسد. ابتدا به تعریف و مفاهیم مربوط به مؤلفه های مهارت های زندگی و نحوه مهارت افزایی از کتب و مقالات استخراج و دسته بندی می شود تا بتوان بر اساس آنها مدل و الگوهای مطلوبی برای کالبد مدرسه ابتدایی استخراج نمود در ادامه ی روند تحقیق برای اینکه بتوان این شاخص ها و الگوها را با معیارهای معماری روز و نیز تغییرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی معاصر تطبیق داد ارزیابی می شوند و در نهایت تحقیق با تحلیل و ارزیابی الگوهای کالبدی مدارس و مطابقت دادن آن با نیازها و توان اقتصادی جامعه معاصر امکان برنامه ریزی کیفی برای طراحی های آتی مدارس را فراهم می آورد.

۴- مبانی نظری

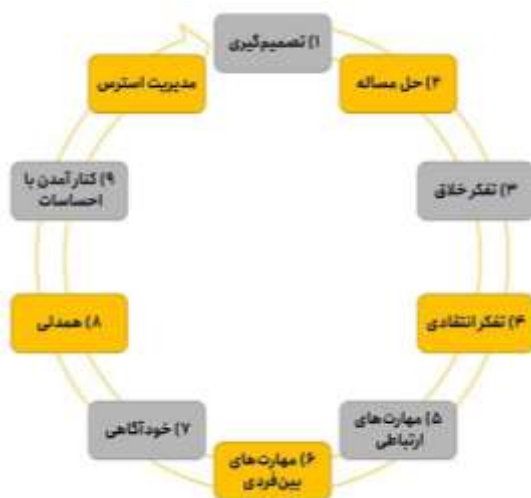
۴-۱- مهارت های زندگی

انسانها برای مقابله سازگارانه با موقعیت های تنش زا و کشمکش های زندگی نیاز به آموختن برخی مهارت ها دارند. متخصصان علوم رفتاری معتقدند یکی از مؤثرترین برنامه هایی که به افراد کمک می کند تا زندگی بهتر و سالم تری داشته باشند، برنامه آموزش مهارت های زندگی است (امانی، ۱۳۸۵). مهارت های زندگی را می توان مجموعه ای از توانایی ها که زمینه

سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورند دانست. این توانایی ها فرد را قادر می سازد مسئولیت نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته ها و انتظارات و مشکلات روزانه به ویژه در روابط بین فردی به شکل موثر روبرو شوند. با این توصیف مهارت هایی که به مهارت های زندگی موسوم هستند بی شمارند و ماهیت و تعاریف آنها نسبت به فرهنگ ها و موقعیت ها تغییر می یابد (طارمیان، ۱۳۸۰: ۴۵).

۴-۲- انواع مهارت های زندگی

تمام تحقیقات انجام گرفته در حوزه مهارت های زندگی مبتنی بر یک منبع، به تقسیم بندی مهارت های زندگی پرداخته اند و آن هم سازمان جهانی بهداشت (WHO) می باشد که این سازمان در سال ۱۹۹۳، ده مهارت را به عنوان مهارت های زندگی اصلی معرفی کرد که در شکل ۱ به انواع آن اشاره شده است. یادگیری هر یک از این مهارت ها فرایندی زمان بر بوده که نیازمند تلاش و پشتکار افراد است و در نهایت باعث موفقیت در بسیاری از جنبه های زندگی می شود.



شکل ۱- انواع مهارت های زندگی (مأخذ: شفيعی و همکاران، ۱۳۹۹)

در راستای انسجام بخشی و اجتناب از پراکندگی بطوری که مراحل رسیدن به الزامات معماری مدرسه را تسهیل کند در این پژوهش مهارت های زندگی را به دو گروه مهارت های شناختی و مهارت های اجتماعی و بین فردی مطابق جدول ۱ تقسیم می کند چرا که ممکن است یک مولفه ی معماری یا قابلیت محیطی پاسخی به آموزش تعدادی از مهارت های زندگی باشد. بنابراین این مهارت ها در اصل از هم جدا نیستند و ممکن است بعضی از مهارت ها که در گروه های گوناگون قرار گرفته اند با یکدیگر همپوشانی داشته باشند.

جدول ۱- دسته بندی مهارت های ده گانه زندگی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

مهارت های زندگی	
مهارت های شناختی	مهارت های اجتماعی و میان فردی
خودآگاهی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، حل مسئله، تصمیم گیری	ارتباط موثر، ارتباط بین فردی، همدلی، مدیریت هیجان، مقابله با استرس

باتوجه به مبانی ارائه شده و مطالعات انجام گرفته در حوزه علوم رفتاری، تربیتی و مهارت های زندگی به مفاهیم و واژگانی دست یافته که هر کدام از آنها زیر شاخه ای از انواع مهارت های زندگی می باشند و تقویت هر کدام از آنها برای دستیابی به یکی از مهارت های زندگی موثر می باشد و می تواند در رشد تعالی کودکان تاثیر بسزایی داشته باشد و برای اینکه این مفاهیم در رفتار کودکان نهادینه شود و آنها را برای آینده و یک زندگی مطلوب آماده سازد نیاز است تا بستری فراهم شود که هم از بعد روانی و هم از بعد فیزیکی پاسخگو و تسهیل کننده باشد که در این زمینه به الزامات و بایست هایی در معماری مدارس ابتدایی نیاز است که بتواند علاوه بر بستر سازی مناسب، خود در جایگاه آموزش دهنده ظاهر شده بطوریکه کودکان بتوانند بخوبی با فضای آموزشی ارتباط برقرار کنند و در آن فضا با آرامش خاطر به آموزش و پرورش و رشد دست یابند. بعضی از مهارت هایی را که معماری و محیط کالبدی مدارس می تواند پاسخ درخور جهت تسهیل در آموزش آن داشته باشد را می توان مطابق شکل ۲ دسته بندی کرد.

مهارت های زندگی متأثر از معماری فضای آموزشی



شکل ۲- مهارت های زندگی متأثر از معماری (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

۳-۴- آموزش مهارت های زندگی

با توجه به اهمیت و نقش یادگیری مهارت های زندگی در پیشگیری از رفتارهای مخرب و تأثیر آن بر بهبود زندگی فردی و اجتماعی، آموزش آن، بخشی از برنامه های نظام های آموزشی را به خود اختصاص داده است. آموزش مهارت های زندگی همچون حل مساله، تصمیم گیری، مهارت ارتباطی و بین فردی، خودآگاهی و... از اهداف بنیادی نظام های آموزشی است. در نظام آموزشی ایران نیز آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان در دوره های گوناگون تحصیلی ذکر شده است (صافی، ۱۳۷۹). شخصیت انسان به صورت تدریجی و طی رشد و نمو انسان کامل می شود، مخصوصاً دوران ابتدایی مقطع مهمی است که در آن شخصیت آینده کودکان به تدریج شکل می گیرد و پایه و اساس مقاطع و دوران پس از آن خواهد شد. از این رو توجه به امور رفتاری و روانشناختی کودکان در مقطع ابتدایی بسیار مهم بوده و مستلزم شناخت کامل کودکان است. از آنجا که بخش مهمی ساعات روز در مدارس سپری می شود و کودکان وارد اجتماع بزرگتری از خانواده می شوند؛ بی تردید نیازمند توجه و مراقبت بیشتری خواهند بود. این مراقبت ها تنها جسمی نیست بلکه روحی و روانی و رفتاری هم هست. (اکبری، ۱۳۹۹) بنابراین بهترین مکان و موقعیت برای آموزش مهارت های زندگی، مسیر تحصیلات درآموزش و پرورش است. آموزش مهارت های زندگی در مدارس می تواند به طرق مختلف انجام گیرد که در این کار، سیستم آموزشی، مدیریت، روش تدریس و معلم و در کنار این موارد معماری فضاهای آموزشی بسیار می تواند کمک حال و تسهیل کننده این آموزش ها باشد. از معماری فضاهای آموزشی در برخی از تحقیقات تازه به عنوان «موضوع پنهان در برنامه آموزش» یاد می شود. (Sami Azar, A, 2008). فضای کالبدی مدرسه نه تنها یک محیط خشک و بی روح در فرآیند یادگیری محسوب نمی گردد، بلکه به عنوان یک عامل زنده و پویا در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان نقش ایفا می کند. (ایمانی، موحّد، ۱۳۹۶).

۴-۴- معماری مدارس ابتدایی

معماری مدارس یکی از عوامل تأثیرگذار در امر تعلیم و تربیت نوین به شمار می آید و نقش بسیار مهمی در کیفیت فعالیت های آموزشی دانش آموزان ایفا می کند و در کنار سایر عوامل همچون خانواده، معلم، کتب درسی و از عوامل مهم در فرایند تحصیلی است (لطف عطا، ۱۳۷۸). بدون توجه به این مسئله، فضا می تواند خدمات زیاد فیزیولوژیکی و روانی به انسان وارد کند. بر اساس نظریه های روانشناسی محیط، ساختار، شکل، فرم، رنگ و به عبارتی تمامی مختصات فضایی محیط بر نحوه رفتار و یادگیری افراد مؤثر واقع می شود. (یزدانفر، ۱۳۹۳).

۴-۵- تأثیر شرایط محیطی و کالبدی مدارس بر آموزش کودکان

محیط پیرامون ما بر سلامت جسمی، میزان استرس و فشارهای روحی، سطح هوشیاری، و بسیاری از حالات روانی دیگر تأثیر دارد. از آنجا که حواس انسان بی اختیار با اجزای فیزیکی و کیفیات فضایی محیط (نظیر نور، رنگ، صدا، بافت، مقیاس، تناسبات و میزان آشنایی و صمیمیت فضا) درگیر می شود، ذهن پیوسته نسبت به پیرامون حساس بوده و این امر حالات ذهنی، تمرکز،

حافظه، خستگی و نشاط ما را تحت تاثیر قرار می دهد. بدین ترتیب در محیط های آموزشی که هدف اصلی در آن یادگیری بوده و نیاز به آرامش و تمرکز بسیار زیاد است، تمامی موارد یاد شده اهمیتی فوق العاده می یابند.

۴-۵-۱- نور

نور طبیعی یک ابزار معماری قابل کنترل است که ادراک و رفتار کاربران را تحت تاثیر قرار می دهد. کیفیت و تراکم نور، بهره گیری از نور روز، از مهمترین عواملی هستند که محلی مناسب برای آموزش فراهم می آورند (Burcu, G. T., 2015) نورپردازی مناسب در یک مدرسه منجر به بهبود عملکرد دانش آموزان، خلق محیط داخلی سالم تر، جلوگیری از یکنواختی محیط و... می شود. (کامل نیا، حامد، ۱۳۸۹)

۴-۵-۲- رنگ

رنگ به عنوان عنصر تفکیک ناپذیر معماری تاثیر روانی بر روحیه و رفتار کاربران فضاها و ساختمان ها دارد و حالات روانی و عاطفی آنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. رنگ ها باعث ایجاد تجربه های هیجانی از قبیل شادی، خنده، غم، اندوه، آرامش، تحریک پذیری، سکون و هیجان می شود (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۸). رنگ در ایجاد التهاب یا آرامش کودک تاثیر گذار است و طبعاً در شخصیت پردازی وی مؤثر است گاه تأثیرات به جامانده از نحوه برخورد رنگ در زمان کودکی تا پایان عمر باقی می ماند، رنگ های مورد علاقه کودکان شاد و روشن است که نشانه سر زندگی و سلامتی است (دیواندی، بزرگ قمی، ۱۳۹۷)

۴-۵-۳- طبیعت و فضای سبز

فضاهای طبیعی تأثیر مهمی بر احساسات کودکان و درک زیبایی شناسانه آنان دارد و طراحی بهینه فضاهای طبیعی در مدارس می تواند باعث افزایش احساسات مثبت کودکان نسبت به مدرسه و احساس آرامش و تعلق خاطر آنان نسبت به محیط مدرسه شود. لذا فضای سبز طبق دیدگاه های گوناگون نقشی اساسی در شکل گیری احساس وابستگی به محیط آموزشی دارد. طبق نظریه بهبود استرس الریخ (Ulrich) کاهش استرس از واکنش های عاطفی و زیبایی شناختی نسبت به محیط ایجاد می شود و مناظر طبیعی پاسخ های عاطفی مثبت را گسترش داده و استرس را کاهش می دهند. (Hamid, N. and babamiri, M., 2012)

۴-۵-۴- فضای باز

فضای مدرسه و یادگیری فقط محدود به فضای بسته داخل ساختمان نیست. علاوه بر فضای داخلی ساختمان، فضای باز نیز بستری مناسب برای استفاده از فرصت های تجربی است (عظمتی، امینی، فر، پورباقر، ۱۳۹۵). بر اساس نظر مور و ونگ فرایند آموزش در فضای باز، بسیار آسانتر و راحت تر از آموزش در فضای بسته، موجب کنجکاوی و انگیزه بخشی به دانش آموزان و رشد خلاقیت و ارتقاء یادگیری آنان می گردد. بنابراین می توان به رابطه مستقیمی که بین فضای باز آموزشی و یادگیری دانش آموزان وجود دارد پی برد (باورز، ۱۹۸۷). فضای باز آموزشی متناسب، به عنوان محیطی که برای فرد آشنا است و قابلیت دسترسی آسانی دارد، می تواند گزینه های متنوعی برای انتخاب و حرکت آزادانه در اختیار افراد قرار دهد و موجب افزایش میزان ارتباطات، ارتقاء کیفیت تعاملات و در نتیجه رشد یادگیری گردد (هورترمن، ۲۰۰۸)

۴-۵-۵- جذابیت محیطی

تاثیر کاربری بر روی کاربران در حال رشد، وسیع است و به طور جدی توسط تحقیقات بر آن تاکید شده است. دی این ارتباط شاعرانه را زمانی توضیح می دهد که می گوید بچه های در حال رشد نیاز به غذاهای مقوی دارند ولی این مواد تنها از راه دهان وارد بدن ما نمی شود، بلکه از دریچه کل حواس به درون ما راه می یابند (دی، ۲۰۰۷) زیبایی ها و نقوش مناسب فضاهای داخلی یک نقش محوری را در محیط یادگیری ایفا می کنند (ژاک و لی، ۲۰۱۱) استفاده از رنگ ها، بافت ها، و الگوهای مناسب و جذاب برای پوشش کف ها و دیوارها (زمانی، نصر، ۱۳۸۶) جهت بالا بردن تنوع و جذابیت محیطی احساس مثبتی را ایجاد می کند.

۴-۵-۶- چشم انداز و منظر

چشم انداز و منظر با ایجاد محیط های بصری برانگیزاننده، هوشیاری دانش آموزان و در نتیجه فرایند یادگیری آنان را تقویت می نماید (Li D, Sullivan W. 2016). وجود نفوذ پذیری بصری در محیط های آموزشی از طریق ایجاد دید به مناظر مطلوب توسط پنجره های مناسب طراحی شده علاوه بر ایجاد جذابیت محیطی، می تواند تأثیرات روحی و روانی زیادی بر سلامت روانی دانش آموزان گذاشته و در نهایت از طریق بازسازی تمرکز ذهنی آنان به عنوان کلید اساسی موفقیت تحصیلی منجر به یادگیری بهتر گردد (مضطرزاده و همکاران، ۱۳۹۹)

۴-۵-۷- خوانایی فضا

از عوامل لذت بخش ساختن محیط برای کودک، تامین وضوح و خوانایی آن محیط است (کرونر، ۱۳۸۵) تصویری شایسته از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می دهد. همچنین غرض از داشتن تصویر روشن از محیط این است که فرد بتواند به آسانی

اجزای محیط را بشناسد و آنها را در ذهن خود، در قالبی به هم پیوسته ارتباط دهد. در واقع سامان یافتگی و امنیت روانی حاصل از این دو فرایند است که احساس دلپذیری را در محیط ایجاد می کند (کویلا لینچ، ۱۹۷۰).

۴-۵-۸- انعطاف پذیری

فرایند ارتقاء کیفیت رفتار اجتماعی دانش آموزان با استفاده از مؤلفه های معماری انعطاف پذیر امکان پذیر می باشد و رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. دانش آموز را به محیط های اجتماع پذیر، تعامل بیشتر، همکاری و مشارکت دعوت می کند که این خود می تواند افکار منفی و آسیب رسان را در محدوده های خلوت در مدارس کاهش دهد، خلاقیت دانش آموز را بیشتر کند و وی را از آسیب های احتمالی جسمی و روحی دور نگه دارد. با معماری انعطاف پذیر در مدرسه مشارکت و بازی دانش آموزان بیشتر، حس قلمرو طلبی و ایجاد برخوردها، بازی های بی هدف در بین آنها کمتر می شود. به علت وجود تفاوت ها در رفتارهای اجتماعی افراد، معماری انعطاف پذیر با آفرینش فضاهای متفاوت و پویا به این تفاوت ها پاسخ می دهد (اسماعیلی، شاهچراغی، حبیب، ۱۳۹۹).

۴-۵-۹- چیدمان کلاس ها

کلاس های درس به عنوان مکانی که بیشترین زمان آموزش دانش آموزان در مدرسه در آن سپری می شود نیازمند توجه بیشتری می باشد. یکی از عناصر پر کاربرد و تاثیر گذار در کلاس ها، چیدمان میز و صندلی و سازماندهی مبلمان کلاسی است. در فناوری های جدید آموزشی استفاده مناسب از انواع چیدمان میز و صندلی و سازماندهی عناصر کلاس به عنوان یکی از ابزار های آموزشی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چیدمان میز و صندلی بر نوع فعالیت و عملکرد دانش آموزان و معلمان تاثیر گذار است. طراحی مبلمان قابل تغییر بر اساس نوع فعالیت می تواند تا حدود زیادی فعالیت های کلاس را تسریع نماید. از طرفی دیگر درگیر کردن بچه ها در رابطه با مبلمان و چیدمان کلاس می تواند در فعال کردن دانش آموزان و مشارکت آنها در امر یادگیری موثر باشد (عبداللهی، فولادی، ۲۰۰۶).

۴-۵-۱۰- فضای جمعی

مطالعات مختلف نشان می دهد حس جمعی، بیشترین میزان تاثیر را در مشارکت افراد در عملکرد محیط دارد. حس جمعی امری چند بعدی است و مکان باید بستری برای حس جمعی بین کاربران باشد. یکی از رسالت های طراحان و معماران خلق رابطه ای متناسب بین انسان ها و کالبد اطرافشان است. برای نیل به این هدف، خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط های مختلف داشته باشند، به نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی تر سازند. مطالعات محیط های یادگیری در ۳۰ سال گذشته رشد قابل ملاحظه و گوناگونی را داشته اند. بطوری که مطالعات فراوانی در زمینه ارتباط محیط کلاس و یادگیری دانش آموزان صورت گرفته است. این موضوع نشان می دهد ویژگی های فضایی ساختمانی مدرسه می تواند سبب افزایش یا کاهش فرصت ها برای تعامل بین دانش آموزان گردد که خود سبب تاثیر بر سطح اجتماعی شدن، آگاهی و شناخت از دیگران و میزان حس جمعی می گردد.

با توجه با تقسیم بندی ده گانه مهارت های زندگی توسط سازمان جهانی بهداشت، که اکثر تحقیقات انجام گرفته در حوزه مهارت های زندگی مبتنی بر این منبع هستند و همچنین تقسیم این مهارت ها به دو قسمت فردی و اجتماعی می توان این گونه بیان کرد که بعضی از مهارت های زندگی مانند تفکر خلاقانه، تفکر انتقادی، تعامل گروهی و ارتباط با هم نوع و توانایی کنترل و مقابله با استرس هستند که علاوه بر سیستم آموزشی، معماری مدارس نیز می تواند در جهت آموزش این مهارت ها تاثیر گذار بوده و به ارتقاء آموزش این حوزه کمک کند. بر اساس مطالعات انجام گرفته در حوزه معماری مدارس و تاثیر معماری بر آموزش و یادگیری و با توجه به موضوع تحقیق می توان مطابق نمودار شکل ۳ نتیجه گیری کرد، که به مولفه هایی در معماری می توان رسید که امر آموزش مهارت های زندگی را تسهیل بخشد و در طراحی مدارس ابتدایی کمک حال معماران و طراحان واقع شود.

- اسماعیلی اعظم، شاهچراغی آزاده و حبیب فرح، (۱۴۰۰)، «تبیین مدل مفهومی تأثیر معماری انعطاف پذیر بر رفتار اجتماعی دانش آموزان در حیاط و راهرو در مدارس ابتدائی» اندیشه معماری، دوره ۵، شماره ۲
- ارغیانی مصطفی، یزدانفر سیدعباس و فیضی محسن، (۱۳۹۸)، «تأثیر کیفیت فضای بسته آموزشی بر میزان حس جمعی کاربران» علمی فناوری آموزش، دوره ۱۳، شماره ۴، ص ۸۲
- امانی علی، (۱۳۸۵)، «آموزش کفایت اجتماعی در کاهش پرخاشگری پسران پیش دبستانی»، اصول بهداشت روانی، دوره ۸، شماره ۲.
- بندک، موسی؛ ملکی، حسن؛ عباس پور، عباس، ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر خلاقیت دانش آموزان»، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۱.
- حجت پناه شیوا، گلچین نیا زهرا، (۱۳۹۰)، «تبیین ضرورت آموزش مهارت های زندگی در مدارس. اولین همایش ملی آموزش در ایران».
- حق پرست فرزین، سروش مژده، (۱۳۹۷)، «آموزش مفاهیم مرتبط با معماری پایدار در نظام آموزش ابتدایی با نمایان شدن در معماری مدارس»، معماری سبز، سال چهارم، شماره ۱۰.
- حیدری سولماز، مضطرزاده حامد، عظمتی حمیدرضا، تقی پورملیحه (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیر متغیرهای کالبدی پنجره کلاس درس بر بازسازی تمرکز ذهنی دانش آموزان»، علمی فناوری آموزش، دوره ۳، شماره ۳.
- دیواندی جواد، بزرگ قمی لیلا، (۱۳۹۷)، «بهره گیری از قابلیت های نور و رنگ در فضاهای آموزشی در راستای افزایش خلاقیت کودکان» معماری شناسی، شماره ۶.
- روح الهی حسین، پایندان طیبه، (۱۳۹۰)، «تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر اخلاق و عملکرد تحصیلی دانش آموزان راهنمایی»، اولین همایش ملی آموزش در ایران.
- سیاوش پور بهرام، شادلوی جهرمی مجتبی، نودهی حسن، (۱۳۹۵)، «نقش فضای سبز محیط های آموزشی کودکان در تقویت حس تعلق به مکان (بررسی موردی: مدارس ابتدایی ناحیه دو، شهر شیراز)»، علوم محیطی، دوره ۱۴، شماره ۴.
- شاطریان رضا، (۱۳۸۷)، «طراحی و معماری فضاهای آموزشی»، تهران: انتشارات سیمای دانش.
- شفیعی صابر، عسگری بهروز، علی محمدی رضا، (۱۳۹۹)، «مهارت های زندگی» پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۲۲.
- طارمیان فرهاد، ماهجویی ماهیار، فتحی طاهر، (۱۳۷۸)، «مهارت های زندگی»، تهران، انتشارات تربیت.
- طباعیان مرضیه، حبیب فرح، عابدی، احمد، (۱۳۹۰)، «دیدگاه دانش آموزان دبیرستان های مطلوب و نامطلوب نسبت به رنگ فضاهای آموزشی و راه های بهبود کیفیت فضاهای تحصیلی»، نوآوری های آموزشی، دوره ۹، شماره ۳۸، صفحه ۹۳-۱۰۶.
- عبداللهی ونوس، حسینی فولادی طوفان، (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر چیدمان میز و صندلی در رفتارهای کلاسی دانش آموزان و معلمان با توجه به روش های تدریس نوین»، کنفرانس بین المللی معماری و شهرسازی و عمران، تهران.
- کامل نیا حامد، (۱۳۸۹)، «نگرشی نو بر طراحی محیط های یادگیری»، معماری و فرهنگ، شماره ۴۱، صفحه ۶-۱۴.
- Azzi, V., Catharine, D., Roberto, J., (2007), An evaluation method for school building design at the preliminary phase with optimization of aspects of environmental comfort for the school system of the State São Paulo in Brazil, Building and Environment, Volume 42, Issue 2, Pages 984-999.
- Bowers, J, Bowers, & Burkett, Charles W. 1987. Relationship of Student Achievement and Characteristics in Two Selected School Facility Environmental Settings. Presented at the 64th Council of Educational Facility Planners, International Conference in Edmonton, Albert, Canada.
- Burcu, G. T. (2015). "Sustainability" education by sustainable school design. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 189, 868-873.
- Chawla, L., Keena, K., Pevec, I. & Stanley, E. (2014). Green school yards as havens from stress and resources for resilience in childhood and adolescence. Journal of Health & Place, 28, 1-13.
- Day, C., (2007), Environment & Children: Passive lessons from the everyday environment, UK: Elsevier Architectural Press.
- Hamid, N. and babamiri, M. 2012., Investigate the relationship between green space and mental health. Iranian Journal of Armaghan. 17, 309-316.

- Horstman, Eric. 2008. The Shape of Learning. United States: SP&M
- Li D, Sullivan W. Impact of views to school landscapes on recovery from stress and mental fatigue. *Landscape and Urban planning Journal*. 2016; 148: 149-158.
- Mozaffar, F., Mehdizadeh Saraj, F. and Mirmoradi, S.S. 2009. Recognize the role of nature in educational space. *Iranian Journal of Fannavari Amozesh*. 4, 37-46. (In Persian with English abstract).
- Sami Azar, A. (2008). Dynamism and creativity in organizing educational facilities. *New School Magazine, Renovation and Equipping of Schools of Education*, 8, 11-14.
- Burcu, G. T. (2015). "Sustainability" education by sustainable school design. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 189, 868-873.
- Uitto, A., Boeve-de Pauw, J. & Saloranta, S. (2015). Participatory school experiences as facilitators for adolescents' ecological behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 43, 55-65.
- Zhang, G; C. Zhenga et al. (2007), Thermal Comfort Investigation of Naturally Ventilated Classrooms in a Subtropical Region, *Indoor and Built Environment*, 16(2), pp.148–158.